

اعلمی فریمان، هادی - آیا اصول گرایان می توانند با بهره گیری از دریس های گذشته و نصیحت ناصحان روزگار و نگاه به جامعه‌ی پیش رو و مردمان خوب زمانه‌ی ما، زایمان دردناک نوسازی را بپذیرند؟

یک بار در سال 1377 زمانی که همکار مرکز پژوهش های مجلس بودم به یکی از آقایان اصول گرا گفتم که باید خود را متناسب با شرافت و تحولات جدید بازسازی کنید. البته دلایلی آورده و معلوم بود که نمی شود. حالا باز هم پس از 15 سال با قاطعیت بیشتری می توان اذعان نمود که اصول گرایان نیازمند یک بازسازی درونی است. اگر از یک تمثیل ارگانیک استفاده و جریانهای سیاسی را به مثابه موجودی زنده تلقی کنیم آنگاه می توان با وضوح بیشتری ضرورت ترمیم و خودتوان بخشی جریان سیاسی اصولگرا را توضیح داد.

این جریان از یکسو نیازمند درک عمیق تحولات است و از سوی دیگر نیازمند تفسیر دقیقی از شرافت خود و جریان های سیاسی رقیب در جامعه. پویایی اصولگرایی مستلزم برنامه ها و ایده های جدید بوده و اصول گرایان باید به عنوان بازیگری اصلی در این مسیر گام بردارد. اصول گرایان ناچار باید به خود تحرک داده و روح جمعی پویایی را در درون این جریان (با تمام دشواریهای احتمالی آن) تقویت کنند. زمانی که رهبری انقلاب از جوان سازی نظام سیاسی سخن گفتند، این جوان سازی در سطحی خردتر در مورد جریان سیاسی اصولگرا نیز ضرورت و اولویت دارد. بخشی حیاتی که انجام آن نیاز به تحولی ساختاری در نگرش ها و رفتارهای کنونی طیف های مختلف اصولگرا دارد. بدیهی است هرگونه جوان سازی با مقاومت های درونی در برخی از بخش ها همراه باشد. لذا انتظار می رود ابتدا اصول گرایان این بحث را موشکافی کرده و در آن دقیق شوند. همه احزاب و جریان های سیاسی و پویشه جریان کلان اصول گرایی باید با آینده نگری پیشرویت از حرکت ملت برنامه ای اسلامی برای اداره کشور را طراحی و پی ریزی کنند. برنامه ریزی برای جریان های سیاسی امری مقطوعی و وقت در تاریخ حیات سیاسی آنها نیست، بلکه امری دائم و همیشگی با نگاه به واقعیت ها و ضرورت هاست. در این فضای زمانی که بین نخبگان سیاسی جدل به جای مناظره بنشیند، از درون منازعه، منازعه بیرون می آید و این منازعه بر رادیکالیزه شدن فضا می افزایند و بر مشکلات نظام افزوده می شود و بخش از این فرایند به دلیل این است که جریان های سیاسی نگاه سیستمی اندامواره به نظام سیاسی برای پویا کردن آن نداشته و در فضای اتفاقی و متناسب با بروز وقایع حرکت می کنند.

بدیهی است انتظارات فزاینده در جامعه ای که دوقطبی می شود به سرعت باعث مناقشات سیاسی داخلی می گردد. اگر اصلاحی قرار است صورت بپذیرد باید همه‌ی ملت با اجماع آراء اصلاح کنند، نمی توان با ایجاد شکاف در جامعه بخشی از مردم را توسعه یافته و دمکراتیک دانست و بخشی را توسعه نیافته و عقب مانده تلقی کرد، همین وضعیت در اصول گرایی هم حاکم است، اما هنر نخبگان سیاسی در نهایت باید در این اصل تجلی یابد که همه یکدیگر را تحمل کنند و وجهی اخلاقی به گفتمان و رفتار سیاسی خود ببخشند. باید مدام ادبیات مبنی بر نفرت را انشاعه دهند، گاهی رفتارهای نامناسب و خلاف اخلاق سیاسی آن قدرگسترش می یابد که فراموش می کنیم همه ایرانی، مسلمان و با سابقه‌ی فرهنگ و ادب دیرینیم. هنر نسخه نویسی توسعه و اصلاح در پیجیدگی آن است که همگان توافق عام و یا ائتلاف بر امر توسعه داشته باشند و در تجربه بعضی جاها مثل ژاپن یا چین حکمران توانسته ریلی آماده و منظم برای قطار توسعه ایجاد کند. امری که در نزد گروه های سیاسی با یکجانبه گرایی مغفول می ماند. اصول گرایان نسلی قدیمی با پشتونهای پیشین مبارزانی (منظور این نیست که اصلاح طلبان قدیمی نیستند و یا سابقه نداشته اند، اصول گرایان باید بتوانند با بهره گیری از تجربیات گذشته و جامعه‌ی رو به مدرن ایران برای ادامه‌ی حضور تجدید حیات کنند. این تجدید حیات باید با پشتونهای نیروهای فکری و اندیشمندان داخلی و با نگاه به نسل آینده‌ی کشور با یک سلسله نشست ها و مناظرات درون گروهی

و با تفکر تغییر و ترمیم و دیدگاه های باز انجام شود. اگر عقلالی اندیشه کنیم همه می‌دانیم مشکلات درونی در عرصه‌ی فرهنگ، سیاست، هنر و اندیشه و به ویژه اقتصاد و معیشت مردم و مطالبات متعدد آن‌ها در همه می‌حوزه‌ها می‌دانیم. اگر اصول گرایان به دنبال کسب موقعیتی در انتخابات ریاست جمهوری برای خدمت بهتر به ملت هستند باید تغییراتی در برخی نگرشها و رفتارهای کنونی خود ایجاد کنند. و رویه‌ها و گفتمان‌های کهنه و بی‌حاصل را رها کنند و حول شعارهای اولیه استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی جمع شده و همه می‌دانیم این‌ها را با هم ببینند وبا گردش نخبگان جدید فکری شرایط حاضر را تفسیر کنند. این تجدید ساختار اصول گرایی اگرچه سخت اما متناسب و مناسب خواهد بود. در این فضای نقادان نقادی می‌کنند و معمولاً بی‌هیچ نتیجه‌ای، باز تحولی در ساختار گروه‌های سیاسی دیده نمی‌شود. اما بهترین نسخه‌ای که عنوان دستور کار اصول گرایان می‌توان ارائه داد اندیشه درباره‌ی یک ترکیب به جای تجزیه و جدایی است. ترکیبی پیوندیافته از پیروی از اخلاق پیامبر (حفظ دینداری دین داران) با برداشتی رحمانی، پیروی از عدالت امام علی (اجماعی علم برای همه ملت ایران که سراسر عدالت خواهانه و دمکراتیک است)، برنامه‌ی مدل حکومت داری خوب (برای اداره‌ی کشور با معیارهایی واقعگرایانه و در عین حال اخلاقی)، منشور و دستور اصول گرایان نامه‌ی امام به مالک اشتراکی باید باشد. آنچه که می‌فرمایید باید که میانه روى در حق و گسترش عدالت و عمل به آنچه بيش از هرجیز مایه دلخوشی مردم است در نظر تو دوست داشتنی ترین کارها باشد"

جامعه‌ی آینده‌ی ایران پرستایاب و سیلاب به سوی مقصد خود می‌رود، و اصول گرایان باید با برنامه متناسب با نسل پیشرو و جوان قادر باشند بهبود شرایط اقتصادی و زیست شادمانه برای مردم را مورد توجه خود قرار دهند. اصول گرایان با توجه به مفاهیم نظری مذکور باید با جذب حدکثری نخبگان فکری و پرهیز از خودخواهی‌های فردی و شخصی با نگاه به توسعه‌ی ایران بتوانند کمیسیون‌هایی تحت عنوان سیاست خارجی، داخلی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، صنعتی و بهداشت و درمان تشکیل دهند و بتوانند از درون مناظرات گروهی برنامه‌ی قابل قبول و منسجمی برای اداره‌ی کشور ارائه دهند. گاهی لازم است با فدا کردن نفسانیات به آرمان به پیشرفت رسیدن کشور فکر کرد، در غیر این صورت وضعیتشان همین انفعالی است که هست. لذا آیا اصول گرایان می‌توانند با بهره‌گیری از درس‌های گذشته و نصیحت ناصحان روزگار و نگاه به جامعه‌ی پیش رو و مردمان خوب زمانه‌ی ما، زایمان در دنلک نوسازی را پذیرند؟

کلیدواژه‌های: انتخابات ریاست جمهوری یازدهم - رقابت انتخاباتی - اصول گرایان - هادی اعلمی